



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۵/۰۱

نویسنده: بهادرا کومار
مترجم رسول رحیم

پیشرفت در پروسه صلح افغانستان (توافق دوحه حادثه ای در تاریخ چهل واند سال جنگ افغانستان.م) منبع: اندین پنج لاین ، اول ماه می 2021

یادداشت مترجم :

گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
قطره باران ما گوهر یک دانه شد

در طول چهل و اند سالی که برای آزادی ملی، پایان جنگ و صلح در افغانستان قلم زده ام، اعلامیه سه قدرت بزرگ در دوحه برای نخستین بار احساس حرمان را در من زایل نمود و عملاً نقش اندیشه، امید و تلاش های عملی را در جهت رهایی مردم و کشور از این فاجعه پایان ناپذیر به اثبات رسانید. آرزومندم همه جناح ها به ویژه اهالی قلم و اندیشه، آینده افغانستان را در تحقق ارزش های استقلال، بیطرفی، خودکفائی و دموکراسی ببینند که در این مقاله به استناد اعلامیه دوحه، سه قدرت بزرگ در پای آن مهر تائید گذاشته اند.

ترویج گسترش یافته در مورد مسئله افغانستان که شامل ایالات متحد امریکا، روسیه و چین، همچنان پاکستان است، به روز پنج شنبه در دوحه از یک نقشه راه را برای مشورت با حکومت اشرف غنی و طالبان در جهت رسیدن به یک راه حل صلح آمیز سریع اعلان نمود.
این اعلام که به دنبال مذاکرات در دوحه با میزبانی مقامات قطری صورت گرفت، مصادف است با آغاز رسمی بیرون رفتن نیروهای ایالات متحد امریکا و ناتو از افغانستان - همین امروز اول ماه می.
این اعلامیه مبتنی بر برنامه اعلام شده اداره بایدن برای بیرون کشیدن کامل نیروهای امریکائی از افغانستان تا 11 سپتمبر می باشد که علی رغم تقاضا های پیهم گروه های ذی نفع در ایالات متحد امریکا، پس از یک ارزیابی، اکنون تصمیم به بیرون کشیدن نیروها ، نهائی شده است .
به عبارت دیگر این تصمیم رئیس جمهور بایدن اکنون سرشت یک تعهد بین المللی واشنگتن را در برابر مسکو و بیجنگ خواهد گرفت. این امر درکل ابر عدم اطمینان را در ارتباط به تصمیم بیرون کشیدن نیروها ایالات متحد امریکا از بین می برد.
اعلامیه دوحه، ماهیت یک اعلامیه مشترک را دارد که در واشنگتن، مسکو، بیجنگ و اسلام آباد انتشار می یابد.
این اعلامیه رهنمودهای زیر را در بر می گیرد:

- یک بیرون کشیدن منظم نیروهای خارجی
- در جریان مرحله بیرون رفتن نیروها، پروسه صلح ادامه می یابد، جنگی بین جناح های افغان صورت نمی گیرد و یک «انتقال با ثبات در وضعیت» انتظار برده می شود
- عملیات ضد تروریستی حکومت افغانستان با همکاری جامعه بین المللی صورت می گیرد
- طالبان "حملات بهاری" سالانه اش را متوقف می کند(به بعد موکول می نماید) (to shelve)
- یک تعامل آشکار بین اداره کابل و طالبان قابل مشاهده می باشد
- هر نوع توسل به قوه بین هریک از جناح های افغان غیر قابل قبول می باشد.
- شورای امنیتی ملل متحد تحریم ها علیه افراد و دارائی های طالبان را مورد بازبینی قرار می دهد
- دوحه به مثابه محل مذاکرات بین افغان ها ادامه می یابد
- نقش ملل متحد برای سمت و سو دهی پروسه صلح گسترش می یابد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

بسیار مهم آنست که این اعلامیه از یک راه حل سخن به میان می آورد که در آن ایجاد « یک افغانستان مستقل، دارای حاکمیت، متحد، صلح آمیز، دموکراتیک، بیطرف و خود کفا» پیش بینی شده است. آنچه چشمگیر می باشد «بیطرف و متکی به خود» است که در کل یک فرمول بندی جدید بوده و قابل درک است که مستلزم عدم ادامه حضور امنیتی خارجی در خاک افغانستان و عدم پیوستن افغانستان به اتحاد ها و بلاک های نظامی بوده و حکومت افغانستان متعهد می گردد که یک سیاست خارجی مستقل و غیر متعهد را دنبال کند.

این ها عمدتاً مرتبط با ترس مسکو بیجنگ از سناریوی پس از راه حل می باشند که مبادا ایالات متحد امریکا گروه های افراط گرای (چیچنی، اویغور و غیره) را به مثابه ابزار جیوپولتیکی اش برای راه اندازی عملیات مخفی در منطقه آسیای مرکزی، به خصوص در جهت بی ثبات گردانیدن شین جیانگ، قفقاز شمالی و غیره به کار گیرد. همچنان یک افغانستان "بیطرف" به نگرانی های بزرگ ایران نیز توجه می نماید. در واقع آن فاصله زمانی که صرف پیشبرد "بازی بزرگ" شده و از لحاظ تاریخی تأثیر منفی و بی ثبات کننده دوامدار بر افغانستان داشته است به دوران ظاهرشاه بر می گردد.

از یک چشم انداز وسیع، این انطباق دوجانبه به معنای توسل به اصل «برد - برد» (برد متقابل و دوجانبه) می باشد که به طور محتاطانه ای بین سه قدرت بزرگ توزین شده است، البته قطع نظر از اینکه وضعیت کنونی روابط بین المللی با آب و هوای جنگ سرد مشخص می گردد.

بنابراین، یک پیامد مثبت آن را در مناسبات ایالات متحد امریکا با روسیه و چین نمی توان رد کرد. بدون تردید، این امر سابقه ای برای سایر وضعیت های مشابه مانند مسئله هسته ای ایران و یا مسئله کوریای شمالی، منازعه در سوریه و یمن بار می آورد.

در مورد پاکستان، این کشور می تواند از نتیجه فوق رضایت زیاد داشته باشد، زیرا این راه حل از طریق مذاکره توسط اعضای شورای امنیت ملل متحد تضمین می شود. در سال های 1980 هنگامی که شوروی نیروهایش را از افغانستان بیرون می کشید، هیچ فکری در مورد عواقب پس از بیرون کشیدن نیروها وجود نداشت. این خلا منجر به تقلاهای دیوانه واری برای قدرت شد که در نتیجه آن در سال 1992 مجاهدین قدرت را گرفتند و طالبان ظهور کردند.

از اینرو، پاکستان سهم بزرگی در حصول اطمینان از این دارد که این تاریخ دوباره در افغانستان تکرار نمی شود. در پهلوی آن تعهد جامعه بین المللی عملاً تضمین می کند که بارسنگین استقرار ساختار جدید در کابل دوباره برشانه های پاکستان نمی افتد. پاکستان بسیار علاقه مند تقویت هرگونه کمک های جامعه بین المللی به ویژه ایالات متحد امریکا برای بازسازی و انکشاف افغانستان است که برای یک حکومت آینده در کابل می رسد.

از چشم انداز امنیتی نیز نقشه راه بالا به آن نگرانی های مشروع پاکستان توجه نموده است که "اخلال گران" شاید از خلا قدرت در کابل سوءاستفاده کنند. منافع غیر قابل مذاکره پاکستان در آن است که یک حکومت دوست در کابل بر سر قدرت باشد. پاکستان مکرراً بر این ترسش تأکید نموده است که مبادا هند ناآرامی در افغانستان را به سود خود مورد دستکاری قرار دهد. واضحاً چنین ترسی پذیرفتنی نیست.

در این سناریوی در حال ظهور، دریک برهه یک حکومت انتقالی در کابل شاید اجتناب ناپذیر گردد. این کار بسیار آسان نیست، اما بخش خوب آن در اینست که در اوضاعی با چنین تعهد بزرگ بین المللی صورت می گیرد و افغان ها تلاش های شان را خواهند افزود. این قابل درک است که غنی در حال نزدیک شدن به پایان راه می باشد. بسیار غیر محتمل است که وی یا حلقه همکارانش جسارت تضعیف این "آئین نامه رفتاری" را داشته باشند که مشترکاً توسط سه قدرت بزرگ و به طور قابل توجه پاکستان تعهد شده است. به عین ترتیب هیچ کشور منطقه به قسم "اخلالگر" برای برهم زدن این اعلامیه اقدام نخواهد کرد که حامل توافق معتبر سه قدرت بزرگ می باشد.